# صله‌ی رحم

## ورابطه‌ی خویشاوندی

بر اساس منابع اهل سنت

تألیف:
ابوالحارث خالد الخراز
ترجمه:
عبدالغنی براهویی

بسم الله الرحمن الرحیم

| | | |
|---|---|---|
| سرشناسه | : | خراز، ابوالحارث‌خالد |
| عنوان قراردادی | : | صله الرحم . فارسی. |
| عنوان و نام پدیدآور | : | صله‌ی رحم و رابطه‌ی خویشاوندی/تالیف ابوالحارث خالدالخراز ؛ ترجمه عبدالغنی براهویی. |
| مشخصات نشر | : | مشهد: حافظ ابرو ، ۱۳۸۹. |
| مشخصات ظاهری | : | ۵۵ص. |
| شابک | : | ۹۷۸-٦۰۰-۵۸۳۷-۰۹-٤ |
| وضعیت فهرست نویسی | : | فیپا |
| موضوع | : | صله‌رحم |
| موضوع | : | اخلاق اسلامی |
| شناسه افزوده | : | براهویی، عبدالغنی، ۱۳۴۷ -، مترجم |
| رده بندی کنگره | : | ۱۳۸۹ ۸ص ٤خ/BP۲٥۳/۸ |
| رده بندی دیویی | : | ۲۹۷/۶۵۳ |
| شماره کتابشناسی | : | ۲۳۳۷۳٤۹ |

شناسنامه‌ی کتاب

صله‌ی رحم و رابطه‌ی خویشاوندی.

ابوالحارث خالد الخراز

- مترجم: عبدالغنی براهویی
- ناشر: حافظ ابرو
- تیراژ: ۳۰۰۰
- سال و نوبت چاپ: اول.۱۳۸۹
- قیمت: ۱۰۰۰تومان
- شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۸۳۷-۰۹-۴

مرکز پخش: تایباد-خیابان رجایی-کتابفروشی سنت-

تلفکس:۰۵۲۹۴۲۲۲۱۳۴ همراه:۰۹۱۵۱۲۶۱۳۹۹

# صله‌ی رحم

# و

# رابطه‌ی خویشاوندی

تألیف: ابوالحارث خالد الخراز ترجمه:عبدالغنی براهویی

# فهرست موضوعات


مقدمه‌ی مترجم ........ ٦

مقدمه‌ی مؤلف ........ ١٠

معنای صله‌ی رحم ........ ١٢

اقسام رحم ........ ١٤

صله‌ی رحم در قرآن کریم ........ ١٦

حکم صله‌ی رحم ........ ١٩

فضایل صله‌ی رحم ........ ٢٢

ثواب زیبا و فوری ........ ٢٢

شعار ایمان به خدا و قیامت ........ ٢٣

از بهترین اعمال نزد خدا ........ ٢٣

وسیله‌ی ورود به بهشت ........ ٢٤

افزایش عمر ........ ٢٥

رفع تعارض میان آیات و احادیث ........ ٢٧

پیوند خدا برای بنده ........ ٣١

مایه‌ی بخشش گناهان ........ ٣٣

مایه‌ی آبادانی سرزمین ........ ٣٤

عواقب قطع صله‌ی رحم ........................................ ۳۶
نفرین خدا ........................................ ۳۷
عقوبت زود هنگام در دنیا ........................................ ۳۸
منفورترین عمل نزد خدا ........................................ ۳۹
عدم پذیرش اعمال ........................................ ٤٠
عدم ورود به بهشت ........................................ ٤٠
اسباب قطع صله‌ی رحم ........................................ ٤١
کیفیت صله‌ی رحم ........................................ ٤٢
امر به فراگیری نسب نامه ........................................ ٤٣
کسی که انتظار پاداش داشته باشد وصل کننده نیست ........................................ ٤٤
مثالهای عملی درباره‌ی صله‌ی رحم از عمل رسول خدا ﷺ ........................................ ٤٧
مسائل گوناگون ........................................ ٤٩
پایا ن ........................................ ۵۵

## مقدمه‌ی مترجم

«ألحمدلله رب العالمین و الصلاة و السلام علی رسوله الأمین و علی آله و أصحابه أجمعین و من تبعهم بإحسان إلی یوم الدین» أما بعد:

خداوند می فرماید:

﴿ يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ ٱتَّقُواْ رَبَّكُمُ ٱلَّذِي خَلَقَكُم مِّن نَّفۡسٖ وَٰحِدَةٖ وَخَلَقَ مِنۡهَا زَوۡجَهَا وَبَثَّ مِنۡهُمَا رِجَالٗا كَثِيرٗا وَنِسَآءٗۚ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ ٱلَّذِي تَسَآءَلُونَ بِهِۦ وَٱلۡأَرۡحَامَۚ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ عَلَيۡكُمۡ رَقِيبٗا ﴾ (نساء: ۱)

ای مردم! از آن پروردگارتان پروا کنید که شما را از یک تن آفرید و همسرش را از او خلق کرد و از آن دو، مردان و زنان بسیاری پرا کند، از آن خدایی که به نام او، از همدیگر درخواست می کنید و از (گسستن) رابطه‌ی خویشاوندی پروا دارید. بی گمان خدا بر شما نگهبان است.

خدایی را سپاس که اصل و ریشه‌ی بشر را بر اساس یکسانی نهاد، زن را از مرد آفرید و دستور داد که رابطه‌ی آن دو، براساس تقوا استوار باشد.آنگاه این رابطه را زیرنظر و کنترل خویش قرار داد و در صورت اخلال آن، مسئولیتی سنگین در دنیا و آخرت، متوجه فرد ساخت.

نیز فرمود:

﴿ يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ إِنَّا خَلَقۡنَٰكُم مِّن ذَكَرٖ وَأُنثَىٰ وَجَعَلۡنَٰكُمۡ شُعُوبٗا وَقَبَآئِلَ لِتَعَارَفُوٓاْۚ إِنَّ أَكۡرَمَكُمۡ عِندَ ٱللَّهِ أَتۡقَىٰكُمۡۚ ﴾ (حجرات:۱۳)

ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را گروه‌ها و قبیله های گوناگون، قرار دادیم تا همدیگر را بشناسید. براستی که گرامی ترین شما، نزد خدا پرهیزگارترین تان است.

با این شریعت بود که تمایز، تکبر، برتری جویی، ستم و تمام تفاوت های غیر اختیاری، مثل رنگ، نژاد، تبار و مرد و زن بودن، بی اعتبار تلقی شدند و معیار کرامت و ارجمندی شکل اکتسابی به خود گرفت و از حالت انحصاری بودن بیرون آمد. این است که می بینیم هرکس از تقوای بیشتری برخوردار بود، ارج و حرمت بیشتری خواهد داشت. این رابطه، رویشگاه و راه تداوم، شکل گیری و گسترش بشری از یک رحم، قرار گرفته است. کسانی که پیوند خویشاوندی را به بازی می گیرند، به روابط انسانی ستم روا می دارند. مسئولیتی برزگ بر دوش آنان نهاده شده است. در ساختمان بشری، خانواده‌ی نخستین پایه‌ی، یا واحد نخست و مرکز اصلی آموزش و تربیت روابط اجتماعی، نهادینه کردن ارزش‌ها و انتقال فرهنگ تلقی شده است. بنابراین هسته‌ی خانواده، پرورشگاه رشد، توسعه و تربیت است. از این روی است که خداوند مکرراً در قرآن کریم از گسست پیوند خویشاوندی بر حذر می‌دارد، می‌فرماید: ﴿ ٱلَّذِينَ يَنقُضُونَ عَهۡدَ ٱللَّهِ مِنۢ بَعۡدِ مِيثَٰقِهِۦ وَيَقۡطَعُونَ مَآ أَمَرَ ٱللَّهُ بِهِۦٓ أَن يُوصَلَ وَيُفۡسِدُونَ فِي ٱلۡأَرۡضِۚ أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡخَٰسِرُونَ ﴾ (بقره: ۲۷)

آن کسانی که پیمان (فطری و دینی)، خدا را پس از بستن و استوار داشتن آن می شکنند، و فرمان (تکوینی و تشریعی) خد ارا نادیده می گیرند و روابطی را (مانند صله‌ی رحم، خویشاوندی) که خدا دستور داده است

محفوظ بماند، گسیخته می‌دارند و در زمین تباهی می‌ورزند. این گونه افراد زیان بارند.

عبدالله بن مسعود ﷺ می‌گوید: خدمت پیامبر خدا ﷺ رسیدیم، در حالیکه ایشان در چادری سرخ رنگ ـ عبدالملک می‌گوید: از جنس پوست بود ـ تقریباً در میان چهل نفر نشسته بود، فرمود: «راه ها فرا روی شما گشوده خواهند شد و شما پیروز شده و بهره مند خواهید شد. لذا هر کس از شما آن زمان را دریافت، پس باید از خدا پروا کند، امر به معروف و نهی ازمنکر کرده و پیوند خویشاوندی را برقرار کند، هر کس پشت سر من عمداً دروغ بگوید، باید جایگاه خویش را در جهنم آماده کند. و مثال کسی که طایفه‌ی خویش را به‌نام حق کمک و حمایت کند؛ به شتری می ماند که در چاهی افتاده باشد و، از آن چاه با دمش کشیده شود».[1] علی از نبی اکرم ﷺ روایت می کند که فرمود: «هرکس دوست دارد که عمرش افزوده و روزی اش فراوان و مرگ بدفرجام از وی دور شود، باید از خدا پروا کند و پیوند خویشاوندی را برقرار کند».[2]

خواننده‌ی گرامی! کتابی که فرا روی شما است. درباره‌ی پاداش رابطه‌ی خویشاوندی و گناه و عقوبت گسست آن، نگاشته شده است. نویسنده سعی کرده است، که آن را با استدلال از آیات قرآن و احادیث نبوی مزین کند، که بدون شک در این هدف خویش، موفق

---

۱ـ مسند امام احمد (۳۸۰۱) تحقیق احمد شاکر. اسناد حدیث صحیح است.

۲ـ مسند امام احمد با تحقیق احمد شاکر (۱۲۱۲) اسناد حدیث صحیح است.

بوده است. امید است که مورد استفاده‌ی شما، قرار گرفته و نویسنده و مترجم را از دعای خیر فراموش نفرمایید.

«خدوندا، منم عبد گنه کار　　اسیر نفس بداندیش و بد کار»

«مرا شرم آید گفتار و کردار　　تویی و من، من عاصی و تو غفار»

﴿ رَبَّنَآ ءَاتِنَا فِي ٱلدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي ٱلْأَخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ ٱلنَّارِ﴾

والسلام

عبدالغنی براهویی

۱۳۸۸/۴/۲۴

**مقدمه‌ی مؤلف**

إنّ الحمدلله نحمده و نستعینه و نستغفره و نعوذ بالله من شرورأ نفسنا و سیئات أعمالنا من یهده الله فلا مضل له، و من یضلل فلا هادی له، وأشهد أن لا إله الا الله و أشهد أن محمداً عبده و رسوله. اما بعد:

برادر عزیز! خصلتهای نیکو بسیار، و شاخه ها و شعبه های ایمان، متعدد و بی‌شمارند. و از بهترین و زیباترین این خصلتها، صله‌ی رحم و پیوند رشته‌ی خویشاوندی است. و خوش‌رفتاری و پیوند رابطه‌ی با آنان در گفتار و کردار و انفاق مال و سرمایه بر آنان می باشد.

خداوند می فرماید:

﴿ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ ٱلَّذِی تَسَآءَلُونَ بِهِۦ وَٱلۡأَرۡحَامَۚ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ عَلَيۡكُمۡ رَقِيبٗا ﴾ (نساء: ۱)

و از (خشم) خدایی بپرهیزید که همدیگر را بدو سوگند می دهید. و بپرهیزید از این که پیوند خویشاوندی را گسیخته دارید (و صله‌ی رحم را نادیده گیرید) زیرا که خداوند مراقب شماست.

از آن جایی که صله‌ی رحم، از تکالیفی است که بسیاری از مردم در انجام آن کوتاهی کرده و از آن غفلت ورزیده اند. همان تکلیفی که با اهمال و سهل انگاری در انجام آن، رشته های خانواده ازهم گسیخته و نیروهای جامعه از هم فرو می‌پاشند. از این روی، برخود لازم دیدم که در این خصوص، آموزه هایی را برای عموم مسلمانان، با گفتار پاک و زیبا از خلال این جزوه‌ی کوچک، اما پر محتوا، و بیان حکم صله‌ی رحم و فضایل آن، اسباب گسست پیوند رشته‌ی

خویشاوندی و عواقب آن را، در پرتو کتاب و سنت مطهر رسول اکرم ﷺ تقدیم کنم. از خدای عزوجل آرزومندم که این جزوه، بتواند هدف مطلوبی را که بخاطر آن نگاشته شده است، برآورده کرده، وعواقب و فرجام بد گسست صله‌ی رحم را به قطع کننده‌ی آن یادآوری نماید. ﴿أُوْلَـٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ لَعَنَهُمُ ٱللَّهُ فَأَصَمَّهُمۡ وَأَعۡمَىٰٓ أَبۡصَـٰرَهُمۡ﴾ (محمد:۲۳)

( آنان کسانی اند که خداوند ایشان را نفرین و از رحمت خویش به دور داشته است، لذا گوشهایشان را کر و چشمانشان را کور کرده است.)

آیه‌ی فوق تهدیدی است برای قطع کنندگان صله‌ی رحم و آیه‌ی زیر وصل کنندگان صله‌ی رحم را، به ثواب و پاداش موعود مژده می دهد. ﴿أُوْلَـٰٓئِكَ لَهُمۡ عُقۡبَى ٱلدَّارِ﴾

(عاقبت نیک دنیا (که بهشت است) از آن ایشان است.)

از خدا ی عزوجل خواستاریم که ما را از آنان قرار دهد، ما و پدران و مادران و سایر مسلمانان را، مورد عفو و بخشش خویش قرار دهد.

آمین یارب العالمین

ابوالحارث خالد الخراز

کویت ـ الفیحاء

۱۴۲۲ هق

## معنای صله ی رحم

الرحم: عبارت است از: خویشاوندی و بر کسی اطلاق می شود که میان تو و او پیوند نسبی باشد.

علما درباره‌ی تعریف صله‌ی رحم که پیوند با آن واجب است، اختلاف نظر دارند. گفته شده است که منظور از آن، همان رحمی است که عقد نکاح در میان شان حرام باشد. که اگر یکی را مرد و دیگری را زن تصور کنیم، نکاحشان با همدیگر جایز نباشد. بنابر تعریف فوق، فرزندان عمو و دایی، شامل آن نمی شوند. گوینده‌ی قول فوق، جمع میان زن و عمه و خاله اش را حرام می داند. چون این عقد و جمع میان آن دو، سبب قطع پیوند خویشاوندی می شود. و گفته شده است، رحم، شامل کسانی می شود که بخاطر میراث و توارث از همدیگر، پیوندی داشته باشند. مؤید آن، قول رسول اکرم ﷺ است که می‌گوید: «ثم ادناک ادناک» سپس نزدیکترو نزدیکتر تو. نیز گفته شده است که میان او و دیگری پیوند خویشاوندی باشد، حال فرق نمی کند که از همدیگر ارث ببرند یا خیرا[1] قاضی عیاض می‌گوید: رحمی که وصل و گسسته شده و با آن خوشرفتاری می شود؛ در واقع آن پیوندی معنوی است. بلکه آن در حقیقت، قرابت، خویشاوندی و پیوند نسبی است که رحم مادری آن را پیوند داده و با همدیگر متصل کرده است که این پیوند و اتصال، رحم نامیده

۱ـ سبل السلام (۱۶۱/۴)

می‌شود.[1] و رحم بر خویشاوندان اطلاق می شود، و آنان کسانی هستند که میان او و دیگری نسبت نسبی باشد، حال فرق نمی کند، که از یکدیگر ارث ببرند یاخیر. و تفاوتی نمی کند که دارای پیوند رحمی باشد یا نه. امام قرطبی در «جامع احکام القرآن» (۲۴۸/۱۶-۲۴۷) می گوید: رحم بر دو گونه است ( رحمی که بصورت عمومی و خصوصی وصل کرده می شود) رحم عمومی: رحم دینی است، که با التزام ایمان و محبت به اهل ایمان واجب می شود. و نیز در نصرت، نصیحت و ترک ضرر و زیان نسبت به آنان، و با عدالت رفتار کردن که آن در تعامل و احقاق حقوق شان، مثل عیادت بیماران و ادای حقوق مردگان از قبیل غسل، نماز، دفن و سایر حقوق لازمه‌ی مسلمانان، نمایانگر می شود.

اما رحم خصوصی: آن رحم و پیوند خویشاوندی است که از جهت پدر و از جهت مادر ثابت می شود تا که حقوق خاص در قبال آنان واجب و لازم است، نیز افزون بر آن، حقوقی مثل نفقه، تفقد حالات و پرس جو از اوضاع شان لازم و ضروری می نماید. همچنین پرهیز از غفلت حالات آنان در زمان نیازشان و همچنان در قبال آنان حقوق رحم عمومی زمانی که حقوق زیاد و فراوان شوند، ضرورتی بیشتر پیدا می‌کند که آن وقت اتصال پیوند با کسانی که نزدیکترند، واجب تر و اولی می باشد. ابن فارس در معجم مقاییس اللغة/۴۹۸/۲) می‌گوید: رحم، پیوند خویشاوندی است. سپس رحمِ مؤنث، بدین

---

۲ـ شرح صحیح مسلم امام نووی (۱۱۲/۶)

خاطر رحم، نامیده شده چون از آن همان چیزی متولد می شود که به آن رحم و شفقت کرده می شود، از قبیل فرزندو .....

## اقسام رحم

رحم بر سه قسم تقسیم می شود: اصلی ، فرعی ، و عمومی و توجه این جزوه بر رحم اصلی و فرعی متمرکز است.

۱ـ رحم اصلی: شامل پدر و مادر و آنچه به آن دو متصل هستند، و آن شامل، خویشاوندانی، مثل اجداد و بالاتر از آن می شود. برادران و خواهران، عموها و عمه ها و دایی ها و خاله ها.

خداوند می فرماید:

﴿ ۞ وَٱعۡبُدُواْ ٱللَّهَ وَلَا تُشۡرِكُواْ بِهِۦ شَيۡـٔٗاۖ وَبِٱلۡوَٰلِدَيۡنِ إِحۡسَٰنٗا وَبِذِي ٱلۡقُرۡبَىٰ ﴾ (نساء: ۲۶)

(تنها) خدا را عبادت کرده و هیچ چیزی را شریک او مکنید و به پدر و مادرو خویشان نیکی کنید.)

﴿ يَسۡـَٔلُونَكَ مَاذَا يُنفِقُونَۖ قُلۡ مَآ أَنفَقۡتُم مِّنۡ خَيۡرٖ فَلِلۡوَٰلِدَيۡنِ وَٱلۡأَقۡرَبِينَ ﴾ (بقره: ۲۱۵)

از تو می پرسند: چه چیزی را صدقه و انفاق کنند؟ بگو: آنچه از (مال و دارایی پاکیزه و) پسندیده صدقه و انفاق می‌کنید از آن پدرو مادر و خویشاوندان است... .

۲ـ رحم فرعی: اینان فرزندان و نوادگان و پایین‌تر از آنان و خویشاوندانی که از طریق رضاع و شیرخوارگی نسبت شان ثابت شود. خداوند متعال می فرماید:

﴿ فَـَٔاتِ ذَا ٱلۡقُرۡبَىٰ حَقَّهُۥ ﴾ (روم: ۳۸)

(پس حق نزدیکان (که نیکویی و صله‌ی رحم است) بده.)

۳ـ رحم عمومی: اینان شامل همه‌ی مسلمانان می‌شوند که فرا گیرنده‌ی آنان کلمه‌ی توحید می باشد. خداوند می فرماید:

﴿ وَٱلۡمُؤۡمِنُونَ وَٱلۡمُؤۡمِنَٰتُ بَعۡضُهُمۡ أَوۡلِيَآءُ بَعۡضٍۚ ﴾

(توبه: ۷۱)

مردان و زنان مؤمن، برخی دوستان و یاوران برخی دیگراند، همدیگر را به کار نیک می‌خوانند و از کار بد باز می دارند.

نعمان بن بشیر ﷺ می گوید: رسول خدا ﷺ فرموده است: «مثال مؤمنان نسبت به همدیگر در دوستی و شفقت و دلسوزی، مثل جسم است که هر گاه عضوی از آن به درد آید، سایر اعضای جسم، برایش بیدار مانده و تب می کند».[1]

«بنی آدم اعضای یکدیگرند | که در آفرینش زیک گوهرند»
«چوعضوی بدرد آورد روزگار | دگر عضوها را نماند قرار»

ابوذرﷺ می‌گوید: رسول خدا ﷺ فرموده است: «حتماً شما سرزمینی را فتح خواهید کرد که در آن قیراط یاد می شود (قیراط

۱ـ بخاری (۴۳۸/۱۰) (فتح الباری) مسلم (۲۵۸۶)

گونه‌ای از واحد پولی آن زمان است) لذا با اهل آن سرزمین خوش رفتاری کنید، چون آنان دارای پیمان و دارای صله‌ی رحم می باشند».

در روایتی دیگر آمده است که: حتماً شما مصر را فتح خواهید کرد، و آن سرزمینی است که در آن قیراط نام برده می شود. لذا هر وقت آن را فتح کردید، با اهل آن نیک رفتاری کنید، چون آنان دارای پیمان و دارای صله‌ی رحم هستند.[1]

یا فرموده است که: آنان دارای پیمان و نسبت وصلت می باشند.

علما می‌گویند: صله‌ی رحمی که آنان دارند، این است که مادر اسماعیل‌ؑ هاجر، از آنان می باشد. و اینکه آنان نسبت وصلت دارند، ماریه‌ی قبطیه، مادر ابراهیم، فرزند رسول خدا ﷺ از آنان می‌باشد.

## صله‌ی رحم در قرآن کریم

خداوند می فرماید:

﴿ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ ٱلَّذِي تَسَآءَلُونَ بِهِۦ وَٱلۡأَرۡحَامَۚ ﴾ (نساء:۱)

(و از خشم خدایی بپرهیزید که همدیگر را بدو سوگند می‌دهید و بپرهیزید از این که پیوند خویشاوندی را گسیخته دارید (صله ی رحم را نادیده گیرید)).

امام ابن کثیر (۱۷۹/۲) می‌گوید: با انجام طاعت و اجرای امر عبودیت، از نا فرمانی خدا پروا کنید. ابراهیم، مجاهد و حسن

---

۱ـ مسلم (۲۵۴۳)

می گویند: (تَسَآءَلُونَ بِهِۦ) یعنی همان طور که گفته می شود، تو را به خدا و حق صله‌ی رحم سوگند می‌دهم. ضحاک می گوید: پروا کنید از خدایی که بنام او با همدیگر پیمان می بندید و با یکدیگر عهد می کنید، بترسید و پرهیز کنید از قطع صله‌ی رحم و با خویشاوندان نیک رفتاری کرده و پیوند خویشاوندی را مستحکم کنید. ابن‌مسعود رضی الله عنه می گوید: رسول خدا ﷺ فرموده است: «إتقوالله و صلوا أرحامکم» از خدا بترسید و پیوند خویشاوندی را وصل کنید.[1]

خداوند متعال می فرماید:

﴿ فَهَلۡ عَسَيۡتُمۡ إِن تَوَلَّيۡتُمۡ أَن تُفۡسِدُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَتُقَطِّعُوٓاْ أَرۡحَامَكُمۡ ﴾ (محمد:۲۲)

(آیا اگر (از قرآن و برنامه‌ی اسلام) روی گردان شوید. جز این انتظار دارید که در زمین فساد کنید و پیوند خویشاوندی میان خویش را بگسلید).

حافظ ابن کثیر می گوید: (۳۰۰/۷) یعنی برگردید به دوران جاهلیتی که قبلاً در آن بودید، که خون ریزی کرده و پیوند خویشاوندی را قطع نمایید. از این روی است که خداوند در ادامه می‌فرماید:

﴿ أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ لَعَنَهُمُ ٱللَّهُ فَأَصَمَّهُمۡ وَأَعۡمَىٰٓ أَبۡصَٰرَهُمۡ ﴾ (محمد: ۲۳)

---

۱ـ ابن عساکر، شیخ آلبانی در «الصحیحة» (۸۶۹) حدیث را حسن قرار داده است.

(آنان کسانی اند که خداوند ایشان را نفرین کرده و از رحمت خویش به دور داشته است، لذا گوش هایشان را کر و چشم هایشان را کور کرده است).

این آیه از فساد در زمین به صورت عموم نهی کرده و از قطع صله ی رحم به طور خصوص هشدار می‌دهد. بلکه خداوند به اصلاح در زمین و صله‌ی رحم امر کرده است، که آن با احسان و نیک رفتاری با خویشان، در گفتار و کردار و انفاق اموال بر آنان نمایان می شود.

خداوند می فرماید:

﴿ وَأُوْلُواْ ٱلۡأَرۡحَامِ بَعۡضُهُمۡ أَوۡلَىٰ بِبَعۡضٖ فِي كِتَٰبِ ٱللَّهِ مِنَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ وَٱلۡمُهَٰجِرِينَ إِلَّآ أَن تَفۡعَلُوٓاْ إِلَىٰٓ أَوۡلِيَآئِكُم مَّعۡرُوفٗاۚ ﴾ (احزاب: ۶)

(و خویشاوندان نسبت به همدیگر (از نظر ارث بردن بعضی از بعضی) از مؤمنان و مهاجران، در کتاب یزدان (قرآن) از اولویت بیشتری برخوردارند. مگر اینکه بخواهید در حق دوستان خود، کار نیکی انجام دهید).

مراد از «الارحام»: خویشاوندان هستند. چون در ابتدای اسلام بخاطر هجرت و موالات از یکدیگر، ارث می بردند و این آیه ناسخ آن شد.

حافظ ابن کثیر می نویسد: (۳۸۲/۶) ﴿إِلَّآ أَن تَفۡعَلُوٓاْ إِلَىٰٓ أَوۡلِيَآئِكُم مَّعۡرُوفٗاۚ﴾. یعنی میراث منسوخ شد و یاری و همیاری و نیکی کردن و صله‌ی رحم و وصیت باقی ماند.

نیز می فرماید:

﴿فَـَٔاتِ ذَا ٱلۡقُرۡبَىٰ حَقَّهُۥ وَٱلۡمِسۡكِينَ وَٱبۡنَ ٱلسَّبِيلِۚ ذَٰلِكَ خَيۡرٞ لِّلَّذِينَ يُرِيدُونَ وَجۡهَ ٱللَّهِۖ وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُفۡلِحُونَ﴾

(روم: ۳۸)

(پس حق نزدیکان (که نیکویی وصله‌ی رحم است) و حق مستمندان و واماندگان در راه را بده – این برای کسانی که ذات خدا را می‌جویند، بهتر از هر چیزی دیگر است و آنان قطعاً رستگارند).

یعنی خداوند امر می‌کند که قبل از هر چیز، حق خویشاوندان را از قبیل، نیک رفتاری و صله‌ی رحم و احسان به آنان عنایت شود.

## حکم صله ی رحم

کسی که در متون آیات قرآنی و احادیث نبوی، دقت و تأمل نماید، یقین خواهد کرد که صله‌ی رحم، بدون اختلاف واجب است. و قطع کننده‌ی آن گناهکار و مرتکب گناه کبیره شده است.

قاضی عیاض می‌گوید: صله‌ی رحم و حفظ رشته‌ی خویشاوندی، بدون اختلاف واجب است. و گسست رشته‌ی خویشاوندی و قطع آن، گناهی کبیره است. می‌افزاید: احادیثی که در این مورد روایت شده است، گواه آن می باشد. اما صله‌ی رحم درجاتی دارد که پاره‌ای از

پاره‌ی برتر و قوی تر هستند، کمترین و پایین ترین آن ترک هجران و دوری و روی گردانی است. و پیوند آن با سخن گفتن و سلام دادن می باشد. گرچه با یک سلام دادن صورت بگیرد. و همچنین صله‌ی‌رحم با توجه به توانایی های فرد و نیاز خویشاوندان متنوع می‌شود. که برخی از آن واجب و بخشی دیگر مستحب می باشد. اگر کسی قسمتی از صله‌ی رحم را بجای آورد و آن را به تمام و کمال انجام ندهد، قطع کننده‌ی پیوند رشته داری نامیده نمی‌شود. همانگونه اگر کوتاهی کند، در آن چیزی که توانایی آن را دارد، شایسته است چنین کسی وصل کننده‌ی نامیده نشود.[۱]

رسول خدا ﷺ فرموده است: « الرَّحِمُ مُعَلَّقَةٌ بِالْعَرْشِ تَقُولُ مَنْ وَصَلَنِي وَصَلَهُ اللَّهُ وَمَنْ قَطَعَنِي قَطَعَهُ اللَّهُ »[۲]

رحم به عرش آویخته است. پیوسته می گوید: هر کس مرا وصل کند، خداوند او را وصل کند، و هر کس مرا قطع کند، خداوند او را قطع کند.

از آنچه که گذشت، دانستیم که صله‌ی رحم واجب، و قطع آن حرام است، و حکم به واجب بودن آن، به نیاز و وضعیت فرد، بستگی دارد؛ مثلاً کسی برادر و عمویی دارد که برادرش ثروتمند و عمویش فقیر و نیازمند است، صله‌ی رحم با برادر در حد کلام و پرسش از حال و سلامتش کافی است. اما صله‌ی رحم با عموی نیازمند، اگر

---

۱ـ شرح مسلم امام نووی (۱۱۴/۱۶)

۲ـ مسلم (۲۵۵۵) (از عایشهل)

برادرزاده از نظر مالی توانا است، صله‌ی رحم با وی بوسیله‌ی کمک های مالی صورت می‌گیرد، عرض کردم که، در حق برادر کلام و سؤال از حال و وضعیتش کفایت می‌کند. دلیل این سخن، حدیث رسول خدا ﷺ می باشد. که می فرماید: «بلّوا أرحامکم و لوبا السلام»[۱]

پیوندهای خویشاوندی را مستحکم کنید، گرچه با سلام دادن باشد. اما اگر عمو فردی نیازمند باشد، وصل کننده به حساب نمی آید، مگر زمانیکه با وی کمک مالی کند، بهرحال از احسان و نیکی کردن با خویشاوندان، با هر چیزی که ممکن باشد دریغ نشود. و از جمله دلایلی که بر وجوب صله‌ی رحم دلالت می‌کند، این سخن ابوسفیان، در برابر سؤال هرقل است که از وی پرسید؟ این پیامبر، شما را به انجام چه چیزی امر می‌کند؟ گفت: که می فرماید: «اعبدوا الله وحده ولا تشرکوا به شیئا واترکوا ما یقول آبائکم و یأمرنا با الصلاة و الصدق و العفاف و الصلة»[۲] تنها خدا را عبادت و پرستش کنید و هیچ کس و هیچ چیز را با وی انباز نسازید و رها کنید چیزهایی را که پدرانتان می‌گویند و ما را به نماز و صداقت و عفت و صله‌ی رحم امر می کرد. این حدیث، دلیلی است بر اینکه صله‌ی رحم، واجب است. و بخاطر اهمیتش با نماز، صداقت و عفت همردیف شده است. و از جمله دلایلی که در بیان وجوبش می افزاید، این سخن رسول خدا ﷺ است

---

۳- در جه‌ی حدیث حسن است وشیخ آلبانی آن را با مجموعه طرق در «الصحیحة۱۷۷۷» حسن قرار داده است. بزاز، طبرانی و بیهقی از جمعی از صحابه رضی الله عنهم روایت کرده اند.

۱- بخاری (۳۲/۱) مسلم (۱۷۷۳) از بن عباس م

که می‌فرماید: «إِنَّ الرَّحِمَ شَجْنَةٌ مِنْ الرَّحْمَنِ فَقَالَ اللَّهُ مَنْ وَصَلَكِ وَصَلْتُهُ وَمَنْ، قَطَعَكِ قَطَعْتُهُ»[1] بی شک رحم شعبه‌ای از سوی خدای رحمان است، خداوند فرموده است: «هر کس تو را وصل کند، او را وصل خواهم کرد و هر کس تو را قطع کند، او را قطع خواهم کرد». نیز با این سخن خویش بر آن تأکید کرده است: «ارحامکم ارحامکم» مواظب رشته ی خویشاوندی خود باشید، مواظب رشته‌ی خویشاوندی خود باشد.[2]

خویشاوندانی که لازم است، با آنان صله‌ی رحم برقرار کنید. کسانی هستند که میان تو و او پیوند نسبی از جهت پدرو مادر باشد، که این شامل اصول و فروع شود.

## فضایل صله ی رحم

خواننده‌ی عزیز! فضایل صله‌ی رحم بسیار و بی شماراند. اینک پاره ای از آن بشرح زیر است:

## ثواب زیبا و فوری

ابوهریره ﷺ از رسول اکرم ﷺ روایت می‌کند که فرمود: « ليس شيء أطيع الله فيه أعجل ثوابا من صلة الرحم وليس شيء أعجل عقابا من البغي وقطيعة الرحم واليمين الفاجرة تدع الديار بلاقع »[3]

---

۲ـ بخاری (۴۱۷/۱۰) از ابوهریره χ

۱ـ صحیح است. (الصحیحة) (۱۰۳۸) ابن حبان (۲۰۳۷ موارد) از انس ﷺ

۲ـ با مجموع طرق خود صحیح است، بیهقی (۳۵/۱۰) «الصحیحة» (۹۷۸)

ثواب هیچ عبادتی که برای خدا ی عزوجل انجام گیرد، فوری تر از ثواب صله‌ی رحم نیست. وعقوبت هیچ گناهی فوری تر از ستم و قطع صله‌ی رحم نیست. و قسم دروغین شهرها را ویران می کند.

## شعار ایمان به خدا و قیامت

رسول اکرم ﷺ می فرماید: «مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيُكْرِمْ ضَيْفَهُ وَمَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيَصِلْ رَحِمَهُ»[۱]

(هر کس به خدا و روز آخرت ایمان دارد، باید میهمان خویش را اکرام نماید، و هر کس به خداوند و روز قیامت ایمان دارد، باید پیوند خویشاوندی خود را برقرار کند).

## از بهترین اعمال نزد خدا

قتاده از مردی، از طایفه‌ی خثعم، روایت می کند، می گوید: نزد رسول اکرم ﷺ آمدم و ایشان در میان جمعی از صحابه ﵃ نشسته بود، می‌گوید: عرض کردم: شما همان کسی هستید که می گویید، فرستاده‌ی خدا هستید؟ فرمود: بلی، می گوید: عرض کردم ای رسول خدا ﷺ چه عملی نزد خدا پسندیده و محبوب است؟ فرمود: «ایمان به خدا» می گوید: عرض کردم: ای رسول خدا ﷺ سپس چه عملی؟ فرمود: «سپس بهترین اعمال نزد خدای عزوجل صله‌ی رحم است.» می گوید: عرض کردم: ای رسول خدا ﷺ چه عملی نزد خدای عزوجل منفورو ناپسند است؟ فرمود: «شرک ورزیدن به خدا». می

---

۱ـ بخاری (۵۳۲/۱۰) فتح الباری

گوید: عرض کردم: ای رسول خدا ﷺ سپس چه عملی زشت و منفور است؟ فرمود: «سپس بدترین و منفور ترین عمل، نزد خدای عزوجل قطع پیوند خویشاوندی است».[1]

عقبه می‌گوید: رسول خدا ﷺ را ملاقات کردم و دست مبارکش را گرفتم و عرض کردم: ای رسول خدا ص مرا از بهترین اعمال آگاه کن؟ فرمود: «ای عقبه! پیوند خویشاوندی را وصل کن با کسی که با تو قطع کرده است. و ببخش به کسی که از تو دریغ کرده است و درگذر و گذشت کن از کسی که به تو ظلم روا داشته است».[2]

## وسیله ی ورود به بهشت

عبدالله بن سلام می‌گوید: رسول خدا ﷺ فرمود: «یا أیها الناس ! أفشوا السلام بینکم وأطعموا الطعام وصلوا الأرحام وصلوا باللیل والناس نیام ؛ تدخلوا الجنة بسلام »[3] (سلام را درمیان خودتان پخش کنید. و به نیازمندان و مستمندان طعام دهید و میان خودتان پیوند خویشاوندی را برقرار کنید و در شب، هنگامی که مردم خواب‌اند، نماز بخوانید. آن وقت با سلامتی وارد بهشت خواهید شد.

---

۱ـ ابویعلی (۶۸۳۹) شیخ آلبانی در صحیح الجامع (۱۶۶) می‌گوید حدیث حسن است.

۲ـ مسند امام احمد (۱۵۸۴و ۱۴۸) حاکم(۱۶۲) شیخ آلبانی در صحیح الترغیب (۲۵۳۶) می گوید: صحیح لغیره است.

۳ـ مسند امام احمد (۴۵۱/۵)، ترمذی (۲۴۸۵) دارمی، (۲۴۰) ابن ماجه (۱۳۳۴، ۳۲۵۱) حاکم (۱۳/۳، ۱۶۰/۴) (الصحیحة (۵۶۹) ترمذی گفته است حدیث حسن صحیح است.

ابو ایوب انصاری ﷺ می‌گوید: کسی نزد پیامبر خدا ﷺ آمد و عرض کرد: لطف کنید مرا به انجام کاری راهنمایی کنید، که آن کار مرا به بهشت نزدیک، و از دوزخ دورم سازد. فرمود: « تَعْبُدُ اللَّهَ لاَ تُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا وَتُقِيمُ الصَّلاَةَ وَتُؤْتِي الزَّكَاةَ وَتَصِلُ ذَا رَحِمِكَ » فَلَمَّا أَدْبَرَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ « إِنْ تَمَسَّكَ بِمَا أُمِرَ بِهِ دَخَلَ الْجَنَّةَ ». «خدا را عبادت کن و هیچ چیزی را با او شریک مساز و نماز را بر پا کن و زکات را بپرداز و با خویشاوندان خود صله ی رحم و پیوند خویش را بر قرار ساز». وقتی که رفت. رسول خدا ﷺ فرمود: «اگر عمل کند به آنچه که امر شد، وارد بهشت خواهد شد».[1]

## افزایش عمر

ابوهریره ﷺ می‌گوید، از رسول خدا ﷺ شنیدم که فرمود: « مَنْ سَرَّهُ أَنْ يُبْسَطَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ، أَوْ يُنْسَأَله فِي أَثَرِهِ، فَلْيَصِلْ رَحِمَهُ »[2] (هر کسی که برایش خوشایند است که روزی اش زیاد و آثار کارهای خیرش پاینده شود، باید با خویشاوندان خود، پیوند خویشاوندی را برقرا کند». عایشه -رضي الله عنها- می‌گوید: رسول خدا ﷺ به من فرمود: «صِلَةُ الرَّحِمِ وَحُسْنُ الْخُلُقِ وَحُسْنُ الْجِوَارِ يَعْمُرَانِ الدِّيَارَ وَيَزِيدَانِ فِي الْأَعْمَارِ».[3]

---

۱ـ بخاری (۲۶۱/۳) مسلم(۱۳)

۲ـ بخاری (۵۹۸۵) با فتح الباری

۳ـ مسند امام احمد (۱۵۹/۶) شیخ آلبانی در الصحیحة (۵۱۹) آن را صحیح دانسته است. و حافظ ابن حجر در فتح الباری می گوید: رجال آن ثقه هستند.

(صله‌ی رحم و اخلاق نیکو و حسن هم جواری، سرزمین را آباد و عمرها را می افزاید). انس بن مالکﷺ می گوید: رسول خدا ﷺ فرمود: « مَنْ أَحَبَّ أَنْ يُبْسَطَ لَهُ فِي رِزْقِهِ وَيُنْسَأَ لَهُ فِي أَثَرِهِ فَلْيَصِلْ رَحِمَهُ »[1] ( هرکس دوست دارد که روزی اش فراوان و آثار کارهای خیرش پاینده شوند، باید پیوند خویشاوندی را برقرار کند.) عبدالله بن عمر ﷺ می گوید: (من اتقى ربه ووصل رحمه أنسيء له في عمره وثرى ماله وأحبه أهله)[2] هر کس از پروردگارش پروا کند و پیوند خویشاوندی را برقرار سازد، به عمرش افزوده می شود. در عبارتی دیگر آمده است، به عمرش افزوده می شود و ثروت و دارایی اش فراوان و خویشاوندان او را دوست خواهند داشت. اما ظاهر این احادیث با این سخن خدای عزوجل تعارض دارد:

﴿ وَلِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ فَإِذَا جَآءَ أَجَلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ ﴾ (اعراف : ۳۴)

(هر گروهی دارای مدت زمانی (مشخص و معلوم) است و هنگامی که زمان (محدود) آنان به سر رسید نه لحظه ای از آن تأخیر خواهند کرد و نه لحظه ای بر آن پیشی می گیرند.)

---

۱ـ بخاری (۴۱۵/۱۰) مسلم (۲۵۵۷)

۲ـ صحیح الادب المفرد(۵۸) و استاد آلبانی آن را حسن قرار داده است.

## رفع تعارض میان آیات و احادیث

آن به دو صورت است: اول: این افزایش در عمر، کنایه از برکت عمر، بسبب توفیق بر انجام طاعات می‌باشد. و استفاده‌ی بهینه و درست از وقت. و به کار گرفتن آن در انجام کارهایی که برای آخرتش سودمند است. نیز حفظ وقت و عمرش از بطالت و تضییع در چیزهایی که برایش غیر مفید می باشند. مثال آن در حدیثی است که از رسول اکرم ﷺ نقل شده است. که عمر امت او به نسبت عمر امت‌های پیشین کوتاه است، بجای آن خداوند شب قدر را به وی عنایت کرده است، که قبولیت عبادت در آن با هشتاد و اندی سال برابری می کند - خلاصه اینکه صله‌ی رحم عاملی است در جهت بدست آوردن توفیق انجام طاعات و عبادات و عامل بازدارنده ای است از ارتکاب معصیت. لذا بعد از آن، نام نیک و خاطره‌ی زیبایی در قلبها، از وی بجای می ماند. گویا که او از این دنیا نرفته است. و از جمله چیزهایی که برای انجامش توفیق می یابد، علم و دانش است که بعد از مرگش مردم از آن سود می برند، نیز صدقه‌ی جاریه و اولاد و فرزندان صالح می باشند،

دوم: اینکه زیادت و افزایش عمر، حمل بر حقیقت آن می شود. و آن به نسبت علم ملک موکل به عمر است، اما اولی که آیه بر آن دلالتّ می کند، به نسبت علم خدا ی عزوجل می باشد. بدینسان که به ملک گفته میشود، عمر فلان صد سال است، به شرطی که صله ی رحم را برقرار کند، و اگر صله‌ی رحم را وصل نکند، عمرش شصت سال خواهد بود. ودر علم خداوند مشخص شده است که او وصل

می‌کند یا قطع. و آنچه در علم خدای عزوجل است، هیچ تقدم و تأخری را نمی پذیرد، و اما آنچه در حیطه‌ی علم ملک است، افزایش و کاستی در آن ممکن است، و این آیه‌ی اشاره به همین دارد، می‌فرماید:

﴿ يَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثْبِتُ وَعِندَهُۥٓ أُمُّ الْكِتَابِ ﴾ (رعد : ۳۹)

(خداوند هر چه را که بخواهد (و مصلحت بداند، از نشانه های کتاب دیدنی جهانی و از آیه های کتاب خواندنی آسمانی) از میان بر می دارد.

و هر چه را که حکمتش اقتضا کند، برجای می‌دارد و (جایگزین می سازد و همه‌ی اینها) در علم خدا ثابت و مقرر است. پس محو و اثبات به نسبت چیزهایی است که در علم ملک قرار دارد. اما آنچه در ام الکتاب است. همان چیزی است که در علم خدای عزوجل قرار دارد، که هیچ تغییر و تبدیلی در آن صورت نمی گیرد.

پس صورت اول، با عبارت حدیث باب، مناسب تر و شایسته تر است. چون اثر به چیزی اطلاق می شود که تابع چیزی باشد. وقتی که متأخر باشد، زیبنده است که بر نیک نامی و شهرت زیبا، بعد از فقدان مذکور. حمل شود. طیبی می گوید: صورت اول نمایان تر و روشن تر است. و سخن صاحب (الفائق) هم به همین اشارت دارد. می گوید: جایز است که معنای آن، چنین باشد، که خداوند اثر وصل کننده‌ی رحم را در دنیا به مدت مدیدی پاینده سازد، که سریع و زود از بین نرود، همان طور که قطع کننده‌ی صله‌ی رحم آثارش زود از بین

می‌رود. امام بخاری در تاریخ کبیر از حدیث ابو مشجعة الجهنی به صورت مرفوع روایت می‌کند: «أن الله لا یؤخرنفسا اذا جاء اجلها وانما بزیادة العمر ذریة صالحة» اجل هر انسانی که فرا رسد، خداوند آن را به تأخیر نمی اندازد. اما نشان افزایش عمر در اولاد و فرزندان صالح نمایانگر می شود. ابن فورك به صورت قطع و جزم می‌گوید: که منظور از زیادت عمر، دور کردن آفات از فرد نیکوکار و دارنده‌ی اعمال خیر، در فهم و عقلش می باشد. برخی گفته اند که: مفهوم آن فراتر از آن است، که آن دروجود خیرو برکت، در روزی و علمش نمایان می شود.[۱] استاد آلبانی در صحیح «الادب المفرد» (۵۱-۵۰) می گوید: حدیث بر ظاهر خویش حمل می شود. بی شک خداوند صله ی رحم را سببی شرعی برای طول عمر قرار داده و نیز خوش اخلاقی و حسن همجواری را عامل ازدیاد عمر قرار داده است. همان طور که در پاره ای از احادیث بیان شده است. و این هیچ گونه منافاتی، با آنچه در دین و شریعت ذکر شده است که مدت زمان عمر، مقطوع و قابل تقدیم و تأخیر نیست. ندارد. و این کاملاً به خاتمه بستگی دارد. مثل خوشبختی و نگون بختی که آن دو به نسبت افراد مقطوع هستند، برخی از افراد شقی و بدبخت و برخی دیگر سعادتمند و خوش بخت هستند که نیز مقطوع است که سعادت و شقاوت، هر دو منوط به اسباب شرعی هستند. همان طور که رسول خدا ﷺ فرموده است: « اعملوا فکل میسر لما خلق له ، أما من کان من أهل السعادة فییسر لعمل

۱ـ فتح الباری (۴۱۶/۱۰)

أهل السعادة ، وأما من كان من أهل الشقاء فييسر لعمل أهل الشقاوة.»[۱] ( عمل کنید، چون هر کسی به همان اعمالی رهنمون خواهد شد که برای آن آفریده شده است، پس هرکس از اهل سعادت باشد. برای انجام کارهای اهل سعادت رهنمون می شود. و همان راه را بر می گزینند و هر کس از اهل شقاوت باشد. پس برای عمل اهل شقاوت رهنمون شده و به همان سمت و سو حرکت خواهد، کرد سپس تلاوت فرمود:

﴿ فَأَمَّا مَنْ أَعْطَىٰ وَٱتَّقَىٰ وَصَدَّقَ بِٱلْحُسْنَىٰ فَسَنُيَسِّرُهُۥ لِلْيُسْرَىٰ وَأَمَّا مَنۢ بَخِلَ وَٱسْتَغْنَىٰ وَكَذَّبَ بِٱلْحُسْنَىٰ فَسَنُيَسِّرُهُۥ لِلْعُسْرَىٰ ﴾ (لیل: ۵-۱۰)

(کسی که (در راه خدا دارایی خود را) بذل و بخشش و پرهیزگاری پیشه سازد (و از آفریدگار خویش بهراسد) و به پاداش خوب ایمان و باور داشته باشد (مشکلات و موانع را برای او آسان می‌سازیم و در کار خیر توفیقش می دهیم) و او را آماده‌ی رفاه و آسایش می‌کنیم. اما کسی که تنگ چشمی بکند و خود را بی نیاز (از خدا و توفیق و پاداش دنیوی و اخروی الهی) بداند و به پاداش خوب ایمان و باور نداشته باشد. او را آماده برای سختی و مشقت می سازیم.

هما نگونه که ایمان افزایش یافته و کاسته می شود. که فزاینده‌ی ایمان، طاعت و بندگی، و نقصان و کاستی آن، معصیت و گناه می‌باشد. و این هیچ گونه منافاتی با آنچه که در لوح محفوظ نگاشته

۲ـ بخاری (۱۰۳/۶)-(۴۹۴۹) ، مسلم (۲۰۳۹/۴-۲۶۴۷)

شده است، ندارد. بدین سان عمر با توجه به اسباب، افزوده و کاسته می‌شود. این نیز هیچ گونه منافاتی با آنچه در لوح محفوظ نگاشته شده ندارد . لذا در این باره نیک تأمل کن که این در حل بسیاری از مشاکل و در حل فهم بسیاری از مسائل خیلی مهم است. از این رو است که در احادیث مرفوع وآثار موقوف دعاهایی برای طول عمر آمده است.

## رابطه ی خدا با بنده

ابوهریره ﷺ می گوید: رسول خدا ﷺ فرمود: «إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ الْخَلْقَ حَتَّى إِذَا فَرَغَ مِنْ خَلْقِهِ قَالَتْ الرَّحِمُ هَذَا مَقَامُ الْعَائِذِ بِكَ مِنْ الْقَطِيعَةِ قَالَ نَعَمْ أَمَا تَرْضَيْنَ أَنْ أَصِلَ مَنْ وَصَلَكِ وَأَقْطَعَ مَنْ قَطَعَكِ قَالَتْ بَلَى يَا رَبِّ قَالَ فَهُوَ لَكِ» بیگمان خداوند آفریدگان را آفرید تا که از آفرینش آنان فار غ شد، آن وقت رحم برخاست و عرض کرد: این جایگاه، جایگاه پناه خواستن از قطع ارتباط پیوند خویشاوندی است، خداوند فرمود: بلی، آیا راضی نمی شوی، از اینکه وصل کنم، کسی را که تو را و صل کند و قطع رابطه کنم، با کسی که تو را قطع کند؟ عرض کرد: بلی، فرمود: آن از آن توست، پس رسول خدا ﷺ فرمود: «اگر خواستید بخوانید: ﴿ فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِن تَوَلَّيْتُمْ أَن تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَتُقَطِّعُوا أَرْحَامَكُمْ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فَأَصَمَّهُمْ

وَأَعْمَىٰٓ أَبْصَـٰرَهُمْ ۝ أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ ٱلْقُرْءَانَ أَمْ عَلَىٰ قُلُوبٍ أَقْفَالُهَآ ﴾،[1] (محمد: ۲۲-۲۴)

آیا اگر (از قرآن و برنامه ی اسلام) روی گردان شوید، جز این انتظار دارید که در زمین فساد کنید و پیوند خویشاوندی میان خویش را بگسلید؟ آنان کسانی اند که خداوند ایشان را نفرین و از رحمت خویش به دور داشته است. لذا گوشهایشان را (از شنیدن حق) کر و چشمهایشان را (از دیدن راه هدایت و سعادت) کور کرده است. آیا درباره‌ی قرآن نمی اندیشید؟ یا اینکه بر دلهایی قفلهای ویژه آنها زده اند؟

عبدالرحمن بن عوف ﷺ می گوید: از رسول خدا ﷺ شنیدم که بیان کرد: «قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَنَا الرَّحْمَنُ وَأَنَا خَلَقْتُ الرَّحِمَ وَاشْتَقَقْتُ لَهَا مِنْ اسْمِي فَمَنْ وَصَلَهَا وَصَلَهُ اللَّهُ وَمَنْ قَطَعَهَا بَتَتُّهُ»

«خداوند فرمود: من خدای رحمان هستم و این رحم است که نامی از نام خویش، برایش جدا کردم. لذا هر کس آن را وصل کند، وصلش خواهم کردو هرکس قطع اش کند، من نیز با او قطع رابطه خواهم کرد».[2]

## افزایش روزی و کسب محبت خانواده

ابوهریره ﷺ می گوید: رسول اکرم ﷺ فرمود: « تَعَلَّمُوا مِنْ أَنْسَابِكُمْ مَا تَصِلُونَ بِهِ أَرْحَامَكُمْ فَإِنَّ صِلَةَ الرَّحِمِ مَحَبَّةٌ فِي الْأَهْلِ مَثْرَاةٌ

---

۱ـ بخاری (۸/۵۸۰-۵۷۹) مسلم (۲۵۵۴)

۱ـ مسند امام احمد (۱/۱۹۴) ابوداود (۱۶۹۴) ترمذی (۱۹۰۷) «الصحیحة» (۵۲۰)

فِي الْمَالِ مَنْسَأَةٌ فِي أَثَرِهِ»[1]

نسب نامه‌ی خویش را فرا گیرید تا در پرتو آن، با همدیگر پیوند خویشاوندی را برقرار کنید. چرا که صله‌ی رحم، موجب محبت در خانواده و باعث افزایش مال، و سبب ماندگاری آثار خیرو نام نیک می شود.

عبدالله بن عمر -رضي الله عنهما- می گوید: «من اتقی ربه ووصل رحمه أنسیء له فی عمره وثری ماله وأحبه أهله» هر کس از پروردگارش پروا کند و پیوند خویشاوندی خود را برقرار کند، در عمرش افزوده می شود. و در عبارتی دیگر آمده است: در عمرش تأخیر می افتد و مال و ثروتش افزایش می‌یابد و خانواده اش او را دوست خواهند داشت.[2]

## مایه ی بخشش گناهان

عبدالله بن عمر -رضي الله عنهما-می‌گوید: «أتی النبی ﷺ رجل فقال إنی أذنبت ذنبا عظیما فهل لی من توبة؟ فقال هل لک من أم قال لا قال فهل لک من خالة قال نعم قال فبرها»

مردی نزد رسول خدا ﷺ آمد: و عرض کرد که من، مرتکب گناه بزرگی شده ام، آیا برای توبه ام راهی است؟ فرمود: «مادری

---

۲ـ امام احمد (۳۷۴/۲) ترمذی ( ۱۹۷۹) مستدرک (۱۶۱/۴) شیخ آلبانی اسنادش را جید دانسته است «الصحیحة» (۲۷۶/۵) و ابن حزم در «جمهرة أنساب العرب» (۳،۲)

۱ـ صحیح الادب المفرد (۵۸) و شیخ آلبانی آن را حسن قرار داده است.

داری؟» عرض کرد، خیر. فرمود: «خاله ای داری؟» گفت: آری، فرمود: «پس با او نیکی کن».[۱]

### مایه ی آبادانی سرزمین

عایشه می‌گوید: که رسول خدا ﷺ فرمود: «صِلَةُ الرَّحِمِ وَحُسْنُ الْخُلُقِ وَحُسْنُ الْجِوَارِ يَعْمُرَانِ الدِّيَارَ وَيَزِيدَانِ فِي الْأَعْمَارِ». «صله‌ی رحم، خوش اخلاقی و حسن همجواری شهرها را آباد ، و عمرها را افزایش می دهد».[۲]

### اسباب قطع صله ی رحم

خواننده‌ی گرامی، عوامل قطع صله‌ی رحم فراوان و مختلف هستند که از شخصی تا شخصی دیگر، متفاوت هستند، و اینک خلاصه ای از آن را برایت بیان خواهم کرد.

۱ـ عدم آگاهی از فرجام بد قطع پیوند خویشاوندی.

۲ـ عدم آگاهی از فضایل صله‌ی رحم

۳ـ تکبر و برتری جویی، بخاطر پست و مقام، برخی از مردم را وادار می‌کند که خود را از خویشان برتر و بالا ببیند و ترجیح می دهد که آنان از او دیدن کنند.

۴ـ گسست طولانی از دید و بازدید.

---

۲ـ مسند امام احمد (۴۲۹/۳) ترمذی (۳۰/٦ تحفة الاحوزی) مستدرک (۱۵۵/٤) شیخ آلبانی در صحیح الترغیب (۲۵۰٤) حدیث را صحیح قرار داده است. ابن حبان (٤۳٦ ــ الاحسان)

۱ـ حدیث صحیح است. تخریج آن گذشت

۵ـ تأخیر و امروز وفردا کردن در دید و بازدید.

۶ـ سرزنش زیاد بعد از گسست طولانی، عواطف را جریحه دار می کند. شنیدن سرزنش بر زیارت کننده سنگین می‌آید. از این روی دید و بازدید را به خاطر خوف از تکرار عقاب و سرزنش قطع می کند.

۷ـ کم توجهی به زیارت کننده.

۸ـ تأخیر در تقسیم میراث

۹ـ شراکت خویشاوندان در پروژه های تجاری که اساس کارشان اعتماد فیما بین است، بدون رعایت ضوابط شرعی مثل نوشتن و...

۱۰ـ دوری مسافت یا نزدیک بودن محل سکونت همدیگر.

۱۱ـ فراموش کردن دعوت خویشاوندان، در مناسبت‌های شادی بخش.

۱۲ـ بد اخلاقی بعضی از همسران[۱]

۱۳ـ فرق گذاشتن میان فرزندان در هدیه دادن. شکی نیست، که اگر هدیه و هبه از طرف پدر یا مادر، برای یکی از فرزندان بخاطر ضرر رساندن یا برتر نشان دادن، یکی از آنان نسبت به سایر فرزندان باشد، قطعاً چنین برخوردی، سبب ایجاد عقده و کینه در قلب‌های سایرین خواهد شد، چه بسا منجر به قطع پیوند برادری و خویشی شود.

«برخی از پدران را می شناسم که بعضی از فرزندان را بر بعضی دیگر ترجیح می دهند. طوری که کلیه ی ما یملک خود را در حیات

---

۱ـ نگا، به کتاب: قطعیة الرحم ـ از شیخ محمد بن ابراهیم الحمد (۱۲ـ ۲۲)

خود، به اسم او ثبت می‌کند. و به کلی به آنان مایل می شود و به آنان توجه ویژه می کند . سایرین را از همه چیز محروم می سازد، تا بعد از وفاتش از ترکه و میراث محروم شوند. از این روی در حیات خود عامل گسست رابطه‌ی خویشاوندی می‌شود، چه زشت عمل کرد. هان! پدران باید درباره‌ی فرزندان، از خدای عزوجل پروا کنند، قبل از آنکه از فرزندان، نیکی و خیر درخواست کرده و انتظار داشته باشند».[1]

## عواقب قطع صله ی رحم

بسیاری از مردم عواقب بد قطع رابطه‌ی خویشاوندی را که منجر به خسارت و بد فرجامی می‌شود، نمی‌دانند. بنابراین، شایسته است که برخی از عواقب بد قطع رابطه‌ی خویشاوندی را، به عنوان هشداری، فراروی سخت گیران و سهل انگاران قرار دهیم.

﴿ ٱلَّذِينَ يَنقُضُونَ عَهْدَ ٱللَّهِ مِنۢ بَعْدِ مِيثَٰقِهِۦ وَيَقْطَعُونَ مَآ أَمَرَ ٱللَّهُ بِهِۦٓ أَن يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِى ٱلْأَرْضِ ۚ أُو۟لَٰٓئِكَ هُمُ ٱلْخَٰسِرُونَ ﴾ (بقره: ۲۷)

(آن کسانی که پیمانی را که قبلاً با خدا محکم بسته اند می‌شکنند و آنچه را که خداوند دستور داده است که گسیخته نشود. از قبیل صله‌ی رحم، مودت، مهربانی، رعایت حقوق انسانی و ... .)

---

۱- از پاورقی به متن افزوده، شده است.

آن را می گسلند، و در روی زمین به فساد و تباهی دست می‌یازند، اینان بی گمان زیان بارنند.

نیز تذکر و یادآوری برای کسانی باشد که آثار و عواقب بدِ قطع صله‌ی رحم را بخاطر دارند!

## نفرین خدا

خداوند می فرماید:

﴿ وَٱلَّذِينَ يَنقُضُونَ عَهْدَ ٱللَّهِ مِنۢ بَعْدِ مِيثَٰقِهِۦ وَيَقْطَعُونَ مَآ أَمَرَ ٱللَّهُ بِهِۦٓ أَن يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِى ٱلْأَرْضِ أُو۟لَٰٓئِكَ لَهُمُ ٱللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوٓءُ ٱلدَّارِ ﴾(رعد: ۲۵)

(واما کسانی که پیمان (فطری و تکوینی) خدا را می‌شکنند که (با اعطای عقل و شعور) با ایشان بسته است و پیوندی را می گسلانند که خدا به حفظ و نگهداشت آن دستور داده است. و در روی زمین به فساد و تباهی می‌پردازند، نفرین بهره ی ایشان است و پایان بدجهان (که دوزخ سوزان است) از آن آنان است.

امام سعدی در تفسیر (تیسیر المنان ۱۰۶/۴) می گوید:

پیوندی را که میان آنان و میان پروردگارشان بواسطه‌ی ایمان و عمل صالح بود، حفظ نکردند و نیز پیوند خویشاوندی را فیما بین خودشان برقرار نکرده و حقوق انسانی همدیگر را رعایت ننمودند. بلکه در سرزمین به فساد و تباهی دست یازیده و به کژ راهه رفتند.

خداوند می‌فرماید:

﴿ فَهَلۡ عَسَيۡتُمۡ إِن تَوَلَّيۡتُمۡ أَن تُفۡسِدُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَتُقَطِّعُوٓاْ أَرۡحَامَكُمۡ أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ لَعَنَهُمُ ٱللَّهُ فَأَصَمَّهُمۡ وَأَعۡمَىٰٓ أَبۡصَٰرَهُمۡ ﴾ (محمد ۲۲ ـ ۲۳)

(آیا اگر ( از قرآن و برنامه ی اسلام) روی گردان شوید. جز این انتظار دارید که در زمین فساد کنید و پیوند خویشاوندی میان خویش را بگسلید؟ آنان کسانی اند که خداوند ایشان را نفرین و از رحمت خویش به دور داشته است، لذا گوشهایشان را (از شنیدن حق) کر و چشماهایشان را (ازدیدن راه هدایت و سعادت) کور کرده است.

این نهی الهی از فساد و تباهی در روی زمین، بطور عموم است و از قطع صله‌ی رحم بطور خصوص و در آیه دستور به اصلاح و برقراری صله‌ی رحم، داده شده است.

### عقوبت زود هنگام در دنیا

ابوهریره ﷺ می گوید: رسول اکرم ﷺ فرمود: «هیچ عذابی فوری تر از عذاب ظلم و قطع صله‌ی رحم نیست.[۱]

ابوبکره ﷺ می‌گوید: رسول خدا ﷺ فرمود: «مَا مِنْ ذَنْبٍ أَحْرَى أَنْ يُعَجِّلَ بِصَاحِبِهِ الْعُقُوبَةَ مَعَ مَا يُؤَخَّرُ لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ بَغْيٍ أَوْ قَطِيعَةِ

---

۱ـ حدیث صحیح است، تخریج آن گذشت.

رَحِمٍ»[1] هیچ گناهی نیست که زیبنده باشد، که عقوبت آن را خداوند، برای صاحبش در دنیا با آنچه که در آخرت، برایش از عذاب و عقوبت تدارک دیده، از عقوبت قطع صله‌ی رحم و ظلم، بر او زودتر و فوری تر فرو آورد. بنابراین ، هرکس پیوند خود را قطع نموده و یا عامل آن باشد، خداوند قبل از آخرت، در همین دنیا قطعاً او را با عذاب و عقوبت زود هنگام دچار خواهد کرد. در حدیث بیم و وعید و هشدار شدید است. در حدیثی دیگر می‌فرماید: «من قطع رحما أو حلف علی یمین فاجرة رأی وباله قبل أن یموت»[2] هر کس پیوند خویشاوندی را قطع نماید، یا سوگند دروغین بخورد، سزا و مجازات آن را قبل از مرگ خواهد دید.

## منفورترین عمل نزد خدا

قتاده‌ از مردی، از طایفه‌ی خثعم، روایت می کند، می گوید: نزد رسول خداﷺ آمدم در حالی که ایشان در میان گروهی، از صحابه کرام تشریف داشت، می گوید: عرض کردم: شما همان کسی هستید، که باور دارید، که فرستاده‌ی خدا هستید؟ فرمود: بلی، می گوید: عرض کردم: ای رسول خدا! کدامین عمل نزد خدای

۲ـ امام احمد (۳۸/۵) «الادب المفرد» (۶۷) ترمذی (۲۵۱۱) ابن ماجه (۴۲۱۱) ابوداود/۴۹۰۲) مستدرک (۳۵۶/۲)، ۴ ۱۶۲ ـ ۱۶۳) ترمذی می گوید: حدیث حسن صحیح است «الصحیحة» (۹۱۸) صحیح الترغیب (۲۵۳۷).

۱ـ بخاری در «تاریخ الکبیر» از قاسم بن عبدالرحمن بصورت مرسل روایت کرده است. الصحیحة (۱۱۲۱)

محبوب تر است؟ فرمود: «ایمان به خدا»، می گوید: عرض کردم: ای رسول خدا! سپس چه عملی نزد خدا پسندیده است؟ فرمود: «سپس صله‌ی رحم» می گوید: عرض کردم: سپس چه عملی پسندیده است؟ فرمود:« امر به معروف و نهی ازمنکر» می گوید: عرض کردم ای رسول خدا! کدامین عمل نزد خدا ی عزوجل منفورتر هست؟ فرمود: «شرک ورزیدن به خدا» می گوید: عرض کردم سپس چه عملی نزد خدا زشت تر است؟ فرمود: «سپس قطع کردن پیوند خویشاوندی».[1]

## عدم پذیرش اعمال

ابوهریره ﷺ می گوید: از رسول خدا ﷺ شنیدم که فرمود: « إِنَّ أَعْمَالَ بَنِي آدَمَ تُعْرَضُ كُلَّ خَمِيسٍ لَيْلَةَ الْجُمُعَةِ فَلَا يُقْبَلُ عَمَلُ قَاطِعِ رَحِمٍ»[2]

هر پنجشنبه، شب جمعه، اعمال فرزندان آدم، به پیشگاه خدای عزوجل عرضه می شود. و عمل قطع کننده‌ی صله‌ی رحم پذیرفته نمی‌شود.

## عدم ورود به بهشت

جبیر بن مطعم ﷺ می‌گوید: رسول خدا ﷺ فرمود: « لا یدخل الجنة قاطع»[1]

---

۱ـ آلبانی در صحیح الجامع (۱۶۶) می گوید: حدیث حسن است.

۲ـ مسند امام احمد (۴۸۴/۲) منذری می گوید: راویان حدیث ثقه هستند. آلبانی می گوید: حسن است همان طور که در صحیح الترغیب (۲۵۳۸) آمده است.

قطع کننده ی صله‌ی رحم، وارد بهشت نمی شود.

امام نووی در شرح صحیح مسلم (۱۶/۱۱۳- ۱۱۴) می‌گوید: این حدیث دو توجیه دارد، یکم: حمل این حدیث بر کسی که قطع صله‌ی رحم را، بدون هیچ سبب و شبهه ای با اطلاع از حرمت آن حلال بداند، چنین کسی کافر شده و در دوزخ جاودانه می شود. و هرگز به بهشت وارد نمی‌شود. دوم: مفهوم حدیث، این است که در ابتدای امر، با سابقین وارد بهشت نمی‌شود. بلکه با تأخیر ورود به بهشت، مقداری که خواسته و اراده ی خدا باشد، مجازات می شود.

## اسباب قطع صله ی رحم

امام صنعانی در کتاب (سبل السلام ۴/۱۶۲) می نویسد: علما اختلاف کرده اند که قطع صله‌ی رحم با چه عوامل و اسبابی صورت می‌گیرد.

زین العراقی می‌گوید: با بد کردن به رحم و خویشاوندان.

برخی دیگر می‌گویند: با احسان نکردن صورت می‌گیرد. چرا که احادیث به پیوند رشته‌ی خویشاوندی امر کرده و از قطع آن منع می‌کنند. و هیچ گونه واسطه‌ای هم میان آنها نیست. و صله ی رحم، گونه ای احسان و نیک رفتاری است، همان طوری که بسیاری، این گونه آن را تفسیر و توجیه کرده اند، و قطع صله‌ی رحم، گونه ای از ترک احسان و خوش رفتاری می باشد.

---

۳ـ مسلم (۲۵۵۶) ابوداود(۱۶۹۶)، ترمذی (۱۹۰۹)

## کیفیت صله ی رحم

خداوند به من وشما درک و فهم درست عنایت کند. بیگمان صله ی رحم از شخصی تا شخص دیگر متفاوت و مختلف است. و صله ی رحم دارای در جاتی است که پاره ای از پاره ای دیگر بالاتر می باشد، همانطور که در بحث حکم صله‌ی رحم گذشت.دراین خصوص ابن أبی جمرة بطور خلاصه گفته است: صله ی رحم بوسیله‌ی مال و با کمک و رفع نیاز و دور کردن ضرر و زیان و لبخند و پیشانی باز و با دعا صورت می‌گیرد. و این زمانی استمرار پیدا می کند که، صاحبان رحم، اهل استقامت و دینداری باشند. اگر کافر و فاجر باشند. پس قطع صله‌ی رحم با آنان بخاطر خدا در واقع عین صله ی رحم است، بشرط سعی و تلاش در پند و نصیحت شان، اگر اصرار ورزیدند، به آنان اعلام شود، که قطع رابطه بخاطر نپذیرفتن حق از سوی شان صورت گرفته است. و با حق صله ی رحمشان، با دعای غایبانه برای شان که به راه حق و راه درست باز گردند. ساقط نمی شود. نیز افزوده است که: معنای کامل صله‌ی رحم، تا حد کامل رساندن خیرو تا حد امکان دفع ضرر نیز بر حسب طاقت و توان می‌باشد.

امام نووی (۲۰۱/۲) می‌نویسد: مفهوم صله‌ی رحم، احسان کردن با خویشان بر حسب حال وصل کننده و وصل شده می باشد. گاهی با مال و گاهی خدمت و گاهی با دید و بازدید و سلام کردن و ... .

می گویم: نیز با عیادت بیمار و اجابت دعوت و تبریک و تهنیت در مناسبتهای شادی، و تسلیت و تعزیت هنگام مصیبت، پرداخت دَین

و دور کردن مصیبت و مشکل، نصیحت، امر به معروف و نهی از منکر و فراخوندن شان به سوی هر خیری و ... .

## امر به فراگیری نسب نامه

ابوهریره ﷺ می گوید: رسول خدا ﷺ فرمود: «تَعَلَّمُوا مِنْ أَنْسَابِكُمْ مَا تَصِلُونَ بِهِ أَرْحَامَكُمْ فَإِنَّ صِلَةَ الرَّحِمِ مَحَبَّةٌ فِي الْأَهْلِ مَثْرَاةٌ فِي الْمَالِ مَنْسَأَةٌ فِي أَثَرِهِ»[1]

نسب نامه تان را فرا گیرید که بتوانید بوسیله‌ی آن با همدیگر پیوند خویشاوندی را برقرار کنید، چرا که صله‌ی رحم مایه‌ی محبت در خاندان و سبب افزایش مال و ثروت و باعث ماندگاری آثار و نام نیک می شود.

علامه ابن حزم اندلسی در کتاب (جمهرة أنساب العرب/۲) می نویسد: اما مقدار فرضیت در علم نسب شناسی، این است که انسان بداند، محمد ص قریشی، هاشمی است. کسی است که در مکه‌ی مکرمه می زیسته است و از مکه به مدینه‌ی منوره هجرت کرده است. لذا اگر کسی در شخصیت حضرت محمد ﷺ شک کند، بدون شک کافر و آیین خویش را نشناخته است. مگر اینکه انسان پدر و مادر خویش را معذور بدارد. نیز فرض است که بشناسد هر کسی را که بخاطر نسب با هم دیگر محرم می‌شوند. تا اجتناب کند از ازدواج کسانی که در میان آنان، بر او حرام می شوند. نیز لازم است و تمام

---

۱ـ حدیث صحیح است. «الصحیحة» (۲۷۶)

کسانی را که با او نسبتی دارند بشناسد تا او ازدواج با محارم جلوگیری شود و همچنان تمام کسانی را که با او به گونه ای نسبتی دارند و آن نسبت موجب میراث، و برقراری صله‌ی رحم عهد و پیمان و دادن خرج و نفقه و سایر احکام می شود، دانستن آن فرض و لازم است. لذا هر کس، این را ندانست، بدون شک فرضی را که از سوی دینش بر او لازم شده، ضایع کرده است.

## کسی که انتظار پاداش دارد وصل کننده نیست

یکی از باورهای نادرست، نزد بسیاری از مردم، این است که می گویند: به دید و بازدید کسی می رویم که به دید و بازدید ما می‌آید. و قطع رابطه می‌کنیم با کسی که با ما قطع رابطه می کند.

و زبان حالشان بیانگر، این سخن شاعر است که‌می‌گوید:

ولست بهیاب لمن لا یها بنی　　　ولست أری للمرء مالا یری لیا

فان تَدن منی تدن منک مودتی　　　و ان تنأعنی تلقنی عنک نائیاً

کسی که برایم حرمت قائل نشود، من نیز برایش احترام قائل نخواهم شد. و هیچ عزت و حرمتی برایش قایل نخواهم شد تا زمانیکه برایم عزت و حرمت قایل نشود. اگر به من نزدیک شوی دوستی ام نیز به تو نزدیک خواهد شد. و اگر از من دور شوی، مرا نیز ازخود دور خواهی یافت.

این گونه باور، بی شک به نزاع و خصومت و فراق و به همدیگر پشت کردن منجر می‌شود. بی گمان این باور، متضاد و مخالف با متون شرعی است که انسان را به وصل کردن و وصل شدن فرا خوانده و از

قطع رابطه و تنفر از همدیگر باز می دارد. رسول خدا ﷺ فرمود: «لَيْسَ الْوَاصِلُ بِالْمُكَافِئِ ولَكِنْ الْوَاصِلُ الَّذِي إِذَا قُطِعَتْ رَحِمُهُ وَصَلَهَا»[۱] ترجمه: تلافی کننده وصل کننده نیست. بلکه وصل کننده، همان کسی است که هر گاه پیوند خویشاوندی اش قطع شود، آن را وصل کند. این حدیث پاداش مثل را در صله‌ی رحم نفی می کند. اما مشخص می کند که، اصل صله‌ی رحم، آن است که وصل کنی با کسی که با تو قطع رابطه می‌کند، تنها به وصل کردن با کسی اکتفا نکن که با تو پیوند صله‌ی رحم را برقرار می‌کند. چون مردم دارای سه درجه هستند: وصل کننده، پاداش گیرنده، و قطع کننده. و بهترین شان وصل کننده است.

رسول خدا ﷺ فرموده است: «صل من قطعک وأحسن إلی من أساء إلیک وقل الحق ولو علی نفسک»[۲]

پیوند خویشاوندی خویش را با کسی وصل کن که با تو رابطه اش را قطع کرده است. و نیک رفتاری کن با کسی که با تو بد رفتاری می‌کند و حق و حقیقت را بیان کن، گرچه علیه خودت باشد.

ابوهریره ﷺ می گوید: کسی نزد رسول خدا ﷺ آمد و عرض کرد: ای رسول خدا ﷺ ! خویشاوندانی دارم که من با آنان پیوند خویشاوندی را برقرار می کنم، اما آنان با من قطع رابطه می کنند و من

---

۱ـ مسند امام احمد (۱۶۳/۲) بخاری (۴۲۳/۱۰) ابوداود (۱۶۹۷) ترمذی (۱۹۰۸) از عبدالله بن عمرو

۲ـ «الصحیحة» (۱۹۱۱) از علی

با آنها خوبی میکنم اما آنها با من بدرفتاری می‌کنند، و من در برابر آنها حوصله به خرج می دهم اما آنها به من ناسزا می‌گویند، به دنبال آن رسول خداﷺ فرمود: «اگر تو همانگونه باشی که گفتی، انگار خاکستر داغ به دهانشان فرو می‌کنی و پیوسته با تو یاور و کمک کننده ای هست که تو را بر کردار ناشایست آنان، یاری می‌کند، مادامی‌که تو همین طور باشی که گفتی».[1]

امام نووی رحمه الله در شرح صحیح مسلم (۱۱۵/۱۶) می‌گوید: این تشبیه ای است برای آنچه که از درد و ناراحتی به آنان می رسد، همان طوری که خورنده‌ی خاکستر داغ، از خوردن آن، دردمند و ناراحت می شود. بر این نیکوکار هیچ گناهی نیست. بلکه گناه بزرگ متوجه کسانی می شود که با وی قطع رابطه نموده و او را مورد آزارو اذیت قرار داده اند. گفته شده است که، معنایش این است که تو با نیک رفتاری خود، با آنان، آنها را نزدشان ذلیل و حقیرمی‌سازی. و آنها بخاطر کثرت نیک رفتاری تو و رفتار ناشایست آنان در مقابل تو به اندازه ای نزدشان ذلیل خوار و رسوا و حقیر می‌شوند که انگار خاکستر داغ می‌خورند. نیز گفته شده است، معنایش این است که: آن چیزی که از احسان و خوش رفتاری تو می خورند، بسان خاکستر داغ و اخگری است که احشاء و امعای شان را می سوزاند. می‌گویم در این جایگاه توبیخ پروردگار را نسبت به ابوبکر صدیق ﷺ فراموش نمی کنم، زمانی که قسم خورد که از مسطح بن ابی اثاثه نفقه را قطع

---

۱ـ مسلم (۲۵۵۸) از ابوهریره χ

کند ـ مسطح پسر خاله‌ی ابوبکر صدیقﷺ است ـ همان کسی است که او را در رخداد افک (در رابطه‌ی آبرو و ناموسش) آزار داد. و ابوبکر صدیقﷺ در انجام کارهای خیر معروف بود. بر خویشان و بیگانه ها از مال خویش دریغ نمی کرد و به آنان کمک مالی می نمود. با وجود این مسطح درباره‌ی عِرض و ناموس او زبان درازی کرد. اما این کار ناپسند او مانع احسان ابوبکر صدیقﷺ بخاطر خدا نسبت به او نشد و خداوند به ابوبکر صدیقﷺ چنین گوشزد کرد:

﴿ وَلَا يَأْتَلِ أُوْلُواْ ٱلْفَضْلِ مِنكُمْ وَٱلسَّعَةِ أَن يُؤْتُوٓاْ أُوْلِى ٱلْقُرْبَىٰ وَٱلْمَسَٰكِينَ وَٱلْمُهَٰجِرِينَ فِى سَبِيلِ ٱللَّهِ ۖ وَلْيَعْفُواْ وَلْيَصْفَحُوٓاْ ۗ أَلَا تُحِبُّونَ أَن يَغْفِرَ ٱللَّهُ لَكُمْ ۗ وَٱللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴾

(نور: ۲۲)

(کسانی که از شما اهل فضیلت و فراخی نعمتند، نباید سوگند بخورند، این که بذل و بخشش خود را از نزدیکان و مستمندان و مهاجران در راه خدا باز گیرند، باید عفو کنند و گذشت نمایند، مگر دوست نمی دارید که خداوند شما را بیامرزد و خدا آمرزگار و مهربان است.

## مثالهای عملی درباره صله ی رحم از عمل رسول خداﷺ

ابوهریره ﷺ می گوید: وقتی که این آیه نازل شد:

﴿ وَأَنذِرْ عَشِيرَتَكَ ٱلْأَقْرَبِينَ ﴾ (شعراء: ۲۱۴)

(خویشاوندان نزدیک خود را (از شرک و مخالفت با فرمان پروردگار) بترسان.

رسول خدا ص برخاست و فریاد زد: ای فرزندان کعب بن لوئ خویشتن را از آتش دوزخ نجات دهید. ای فرزندان عبد مناف! خودتان را از آتش دوزخ نجات دهید. ای فرزندان هاشم خویش را از آتش دوزخ نجات دهید، ای فرزندان عبدالمطلب! خویشتن را از آتش دوزخ نجات دهید. ای فاطمه دختر محمد! خویشتن را از آتش دوزخ نجات ده، چون من مانع هیچ چیزی نمی شوم که از طرف خدا به شما برسد. جز اینکه شما با من پیوند خویشاوندی دارید، که تنها از کانال آن با شما ارتباط خویشاوندی برقرار می کنم و بس.[۱]

در بعضی از روایات چنین نام برده است، ای عباس بن عبدالمطلب، ای صفیه عمه‌ی رسول خدا ﷺ در همه ی این موارد، سفارش کرده و به پیوند خویشاوندی، نصیحت کرده است. گاهی بصورت خاص و گاهی دیگر بطور عموم، مورد خطاب قرار داده است. مسیب بن حزن می‌گوید: زمانی که ابوطالب به سکرات الموت رسید و وفات او نزدیک شد. رسول خدا ﷺ نزد او آمد در حالی که نزد او ابوجهل و عبدالله بن أبی أُمیه بنی المغیرة بودند، رسول خدا ﷺ فرمود: «عمو جان! بگو: لا اله الا الله، کلمه ای است که بوسیله ی آن نزد خدا برایت شهادت می دهم. ابوجهل و عبدالله بن ابی امیه، گفتند: ای ابوطالب! از آیین عبدالمطلب روی بر می‌تابی؟! پیوسته رسول خدا ﷺ آن کلمه را بر ابوطالب عرضه می‌کرد وآنان، آن جمله را برایش تکرار می کردند، تا آنکه آخرین سخنی که ابوطالب با آنان

---

۱ـ بخاری ۳۸۲/۵، مسلم ۲۰۴، الادب المفرد ۴۸.

گفت: این بود که او، بر آیین عبدالمطلب است. و از گفتن لا اله الا الله ابا ورزید. رسول خدا ﷺ فرمود: «قسم به خدا برایت استغفار خواهم کرد، تا زمانی که از آن منع نشوم. خداوند نازل فرمود:

﴿ مَا كَانَ لِلنَّبِيِّ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ أَن يَسْتَغْفِرُواْ لِلْمُشْرِكِينَ وَلَوْ كَانُوٓاْ أُوْلِي قُرْبَىٰ مِنۢ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُمْ أَصْحَٰبُ ٱلْجَحِيمِ ﴾(توبه:۱۱۳)

پیغمبر و مؤمنان را نسزد که برای مشرکان طلب آمرزش کنند، هر چند که خویشاوند باشند. هنگامی که بر ای آنان روشن شود که (با کفر و شرک از دنیا رفته اند) ، ایشان اهل دوزخند.

نیز خداوند درباره‌ی ابوطالب خطاب به رسولش نازل کرد که:

﴿ إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَلَٰكِنَّ ٱللَّهَ يَهْدِي مَن يَشَآءُ ۚ وَهُوَ أَعْلَمُ بِٱلْمُهْتَدِينَ ﴾(قصص: ۵۶)[1]

ای پیغمبر! تو نمی توانی کسی را که بخواهی به هدایت برسانی، این تنها خداست، که هر که را بخواهد، هدایت عطا می کند. و بهتر می داند که چه افرا دی، سزاوار پذیرش ایمان بوده و به صفوف مؤمنان راهیابند.

## مسایل گوناگون

۱ـ فتح الباری (۱۳۶۰) مسلم (۲۴)، در احکام جنایز آلبانی (۱۲۲) نگاه کنید درباره‌ی سند آن به تفصیل بحث شده است.

۱ـ صله‌ی رحم با پدر و مادر

صله‌ی رحم با مادر، سه برابر بر پدر مقدم است. ابوهریره ﷺ می گوید: شخصی نزد رسول خدا ﷺ آمدو پرسید: چه کسی به نیک رفتاری من مستحق تر است؟ فرمود: «مادرت، گفت: سپس چه کسی؟ فرمود: «مادرت، گفت؟ سپس چه کسی؟ فرمود: «مادرت»، گفت: سپس چه کسی؟ فرمود: «سپس پدرت».[1]

۲ـ صله ی رحم با پدر مشرک

اسماء دختر ابوبکر صدیق ﷺ می گو ید: مادرم نزدم آمد ودر زمان رسول خدا ﷺ از من امید یاری و کمک داشت، از رسول خدا ﷺ پرسیدم که با وی صله‌ی رحم برقرار کنم یا خیر؟ فرمود: بلی،[2] ابن عیینه می گوید: خداوند نازل فرمود: که

﴿ لَّا يَنْهَىٰكُمُ ٱللَّهُ عَنِ ٱلَّذِينَ لَمْ يُقَـٰتِلُوكُمْ فِى ٱلدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُم مِّن دِيَـٰرِكُمْ أَن تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوٓاْ إِلَيْهِمْ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلْمُقْسِطِينَ ﴿٨﴾ ﴾ (ممتحنه: ۸)

(خداوند شما را باز نمی‌دارد، از این که نیکی و بخشش بکنید، به کسانی که به سبب دین با شما نجنگیده اند و ا زشهر و دیارتان شما را بیرون نرانده اند. خداوند نیکو کاران را دوست می‌دارد.

این حکم بر کلیه‌ی خویشاوندان یا والدینی که نماز نمی‌خوانند. زکات پرداخت نمی‌کنند یا روزه نمی‌گیرند. منطبق می شود. لذا

---

۱ـ بخاری (۴۰۱/۱۰) مسلم (۲۵۴۸)

۲ـ مسند امام مسند (۳۴۴/۶) بخاری (۵۳۵) مسلم (۱۰۰۳)

صله‌ی رحم با آنان بوسیله‌ی دید و بازدید، عیادت بیمار یا انفاق بر آنان، اگر نیازمند باشند، لازم است. بدون شک برای وصل کننده ثواب و پاداش و برای قطع کننده گناه و عقوبت خواهد بود.

۳ـ صله‌ی رحم با برادر مشرک و هدیه دادن

عبدالله بن عمر می‌گوید: عمر ﷺ دست لباسی دید که آمیخته با ابریشم بود. عرض کرد. ای رسول خدا! اگر این لباس را بخرید، و روز جمعه و زمان آمدن هیأتهای نماینده گی، نزد شما، آن را بپوشید. خوب ومناسب خواهد بود. فرمود: «ای عمر! این را کسی می پوشد که بهره ای از آخرت ندارد. سپس آن دست لباس به پیامبر اکرم هدیه شد. عمربن خطاب ﷺ به پیامبر خدا ﷺ عرض کرد که: ای رسول خدا! این را نزد من فرستادی در حالی که از شما شنیدم درباره ی آن چنین و چنان فرمودید؟ فرمود: «من این را به تو هدیه نکردم، تا آن را بپوشی، من آن را به تو هدیه کردم تا آن را بفروشی یا آن را به کسی بپوشانی. سپس عمر ﷺ آن را به برادر ناتنی خویش که از مادرش بوده، و مشرک بود هدیه کرد.[1]

۴ـ صله‌ی رحم با دوستان پدر

عبدالله بن عمر می‌گوید: زمانی که به مکه می ر فتم، الاغی داشتم که وقتی خسته می شدم، بر آن سوار می شدم و عمامه ای داشتم، که آن را بر سرم می بستم. روزی وی در همین سفر، سوار همان الاغ بود. بادیه نشینی با او روبه رو شد و گفت: تو فرزند فلان ابن فلان

۱ـ بخاری با فتح الباری (۵۹۸۱) مسلم (۲۰۶۸)

نیستی؟ گفتم: بلی: الاغ خویش را به او بخشید و گفت: این سواری تو واین عمامه، آن را بر سرت ببند. بعضی از دوستان عبدالله به او گفتند که: خدایت مغفرتت کند. به این بادیه نشین الا غی را که خود بر آن سوار می شدی، بخشیدی و عمامه ای که آن را به سرت می بستی، بخشیدی. گفت: من از رسول خدا ﷺ شنیدم که فرمود: «إِنَّ أَبَرَّ الْبِرِّ صِلَةُ الْمَرْءِ أَهْلَ وُدِّ أَبِيهِ بَعْدَ أَنْ يُوَلِّيَ».

از بهترین نیکی‌ها، صله‌ی رحم فرزند با دوستان پدر بعد از وفاتش می باشد. و پدر او دوست عمر رضی الله عنه بوده است.[1]

۵ـ کسی که در دوران شرک صله‌ی رحم خویش را بر قرار کند، سپس مسلمان شود.

از عروة بن زبیر رضی الله عنه روایت شده است: که حکیم بن حزام به من گفت که عرض کردم: ای رسول خدا ﷺ ! به من خبر بده که من در دوران جاهلیت کارهای خیری از قبیل: صله‌ی رحم، آزادی بردگان، خیرات و صدقات به نیت عبادت و ثواب انجام می دادم، آیا در آنها برایم پاداش و ثوابی هست؟ حکیم می گوید: رسول خدا ﷺ فرمود: «أسلمت علی ما سلف من خیر» «تو همراه با کارهای خیری که در گذشته انجام داده ای، مسلمان شده ای».[2]

۶ـ ثواب صدقه و زکات بر خویشاوندان

---

۱ـ مسند امام احمد (۹۷/۲) الادب المفرد (۴۱) مسلم (۲۵۵۲) ابودا ود (۵۱۴۳) ترمذی (۱۹۰۳)

۲ـ بخاری (۵۹۹۲) مسلم (۱۲۳)

زینب ثقفیه زن عبدالله بن مسعود، ﷺ می گوید: رسول خدا ﷺ فرمود: «ای جماعت بانوان، صدقه و زکات بدهید، گرچه از زیور آلات شما باشد». می گوید: نزد عبدالله بن مسعود ﷺ بر گشتم و به او گفتم: تو شخصی کم درآمد و فقیر هستی، و رسول خدا ﷺ به ما دستور داده است که صدقه و زکات پرداخت کنیم، پس نزد ایشان برو و از وی بپرس که ما می توانیم به شما، زکات بدهیم؟ اگر آن را به شما پرداخت کنیم، از گردن ما ساقط شود که خوب است و اگر نه، آن را به کسانی دیگر می پردازیم؟ عبدالله گفت: خودت نزد ایشان برو و همین سؤال را بپرس؟ می گوید: رفتم و با زنی از زنان انصار که نزد در رسول خدا ﷺ ایستاده بود و مشکل او مانند مشکل من بود، مواجه شدم. و رسول خدا ﷺ شخصیت با هیبتی بودند، لذا بلال نزد ما آمد و به او گفتیم: نزد رسول خدا ﷺ برو و ایشان را آگاه کن، که دو زن دم در هستند و از شما سؤال می کنند که: آیا زکات و صدقات که به شوهران فقیر و یتیمانی که تحت پرورش و حضانتشان هستند، پرداخت می کنند؟ درست است یا خیر؟ اما به ایشان نگو ما کیستیم؟ بلال نزد رسول خدا ﷺ رفت. آنحضرت ﷺ از وی پرسید؟ آن دو زن چه کسانی بودند؟ بلال گفت: زنی از انصار و زینب. رسول خدا ﷺ پرسید؟ او کدام زینب است؟ عرض کرد؟ همسر عبدالله بن مسعود. رسول خدا ﷺ فرمود: « لَهُمَا أَجْرَانِ أَجْرُ الْقَرَابَةِ وَأَجْرُ الصَّدَقَةِ ».

برای آنها دو پاداش است. پاداش خویشاوندی و صله‌ی رحم و پاداش صدقه (زکات).[۱]

سلمان بن عامر می‌گوید: از رسول خدا ﷺ شنیدم که می فرمود: «الصدقة علی المسکین صدقة وهی علی ذی الرحم ثنتان صدقة وصلة».[۲] صدقه بر مسکین یک صدقه است و صدقه بر خویشاوند دو صدقه حساب می شود: صدقه و صله‌ی رحم.

میمونه می‌گوید: کنیزک خویش را بدون مشورت با رسول خداﷺ آزاد کردم. و چون روز آمدن رسول خداﷺ به خانه‌ی میمونه فرار رسید به ایشان عرض کرد: ای رسول خدا ﷺ آیا می دانید من کنیزک خود را آزاد کردم؟ فرمود: «تو واقعاً این کار را کرده ای؟» عرض کردم: بله، فرمود: «اگر آن را به دایی هایت می بخشیدی، پاداش بیشتری دریافت می کردی».[۳]

۷ـ گسست صله‌ی رحم از نشانه های قیامت

عابس غفاری‌ﷺ می‌گوید: رسول خدا ﷺ فرمود: « بادروا بالأعمال خصالا ستا : إمرة السفهاء وكثرة الشرط وقطيعة الرحم وبيع

---

۱ـ بخاری (۳۲۸/۳) مسلم (۱۰۰۰)

۲ـ ترمذی (۶۵۸) ابوداود (۲۳۵۵) ابن ماجه (۱۶۹۹) صحیح الجامع (۳۸۵۸)

۳ـ بخاری (۲۱۷/۵) مسلم (۹۹۹)

الحکم واستخفافا بالدم ونشوا یتخذون القرآن مزامیر یقدمون الرجل لیس بأفقههم ولا أعلمهم ؛ ما یقدمونه إلا لیغنیهم».[1]

قبل از فرارسیدن شش خصلت به انجام اعمال خیر مبادرت ورزید: ریاست و رهبری نادانان، کثرت مأمورین و پلیسها، گسست پیوند خویشاوندی، رشوه گرفتن مقامات حکومتی (خرید و فروش حکام قضایی)، سبک و کم ارزش شمردن خون، نوباوگانی که قرآن را ابزار نوازندگی می‌گیرند. و مردم کسی را پیش نماز می کنند که نه فقیه ترین و نه عالم ترینشان است، تنها او را برای صدای خوشش پیش نماز می کنند.

## پایا ن

این آخرین چیزی بود که جمع و نگارش آن در این رساله‌ی کوچک، میسر شد. خداوند را با نامهای نیک و صفات برترش مسئلت می‌کنم که ما و سایر مسلمانان را در فهم و درک عمیق در دین خویش و ثبات و پایداری بر آن، توفیق عنایت کند. و بر ما به خاطر داشتن نیت پاک در گفتار و کردار، منت گذارد. درود و سلام بر پیامبر ما، محمدﷺ و یارانش باد!

والحمدلله رب العالمین

پایان ترجمه ۱۳۸۸/۴/۱۴

۲ رجب المرجب ۱۴۳۰

---

۱ـ مسند امام احمد (۴۹۴/۳) و شیخ آلبانی حدیث را بخاطر کثرت شواهدش در «الصحیحة» (۹۷۹) صحیح قرار داده است.